

تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

شروشی در سر تکامل لباس ایرانیان در ادوار مختلف

دوران هخامنشی (داریوش بزرگ)

کودتا در پارس و انتقال قدرت، یکی از موضوعات بحث‌انگیز در تاریخ سیاسی دوره هخامنشیان است. چگونگی انتقال قدرت از کمبوجیه فرزند کوروش به داریوش از شاخه دوم خاندان هخامنشیان و ماجرای بردیا- برادر کمبوجیه- و ادعاهای داریوش در این باره و داستان گئومات، افزون بر کتیبه بیستون در منابع دوران کهن به تفصیل نقل شده است. داریوش که پس از یک‌سال به قول خودش توانست ۱۹ شورش را سرکوب و ۹ پادشاه را اسیر کند؛ دستور نوشتن این کتیبه را به ۳ زبان صادر کرد. او دستور داد که آن را به روی چرم و لوح نیز بنویسند و برای همه اقوام بفرستند

در این کتیبه سه زبانه، داریوش درباره ماجرای گئومات ادعا می‌کند که در آغاز در اینجا کمبوجیه - پسر کوروش - پادشاه بود و او برادری به نام بردیا داشت که از یک پدر و مادر بودند. کمبوجیه پیش از لشکرکشی به مصر، بردیا را پنهانی به قتل رساند و سپاه از آن خبر نداشت. وقتی کمبوجیه به مصر رسید، سپاهیان، خائن شدند و دروغ نزد مادی‌ها و پارسیان و دیگر مردم زیاد شد. آنگاه مردم به نام گئومات شورش کرد و ادعا نمود که بردیا برادر کمبوجیه و پسر کوروش است. آنگاه سپاهیان علیه کمبوجیه شوریدند و به گئومات پیوستند. مردم پارس و ماد و دیگر سرزمین‌ها از او حمایت کردند و او پادشاهی را غصب کرد.

در سنگ نبشه بیستون از قول داریوش نوشته شده « نبود مردی، نه پارسی، نه مادی، نه هیچ کس از

خاندان ما که شاهی را گئومات مغ باز ستاند. مردم شدیداً از او می‌ترسیدند که مبادا مردم بسیاری را که پیش از آن بردی را شناخته بودند بکشت. بدان جهت مردم را می‌کشت که مبادا مرا بشناسند که من بردیا پسر کوروش نیستم. هیچ کس یارای گفتن چیزی درباره گئومات مغ نداشت تا من رسیدم. پس از آن من از اهورا مزدا مدد خواستم. اهورا مزدا به من یاری ارزانی فرمود. آنگاه من با چند مرد آن گئومات مغ و آنهایی را که برترین مردان دستیار او بودند کشتم. شاهی را از او ستاندم و اهورا مزدا شاهی را به من عطا فرمود. من پرستگاه‌هایی را که گئومات مغ ویران کرده بود مرمت نمودم. به مردم چراگاه‌ها و رمه‌ها و غلامان و خانه‌هایی را که گئومات مغ ستانده بود بازگرداندم. من مردم را در جایش استوار نمودم، هم پارس، هم ماد و سایر کشورها را. کوشیدم تا خاندان ما را در جایش استوار نمایم چنان که پیش از این بود آن طور من کوشیدم به خواست اهورا مزدا تا گئومات مغ خاندان ما را برنگیرد.»

از طرز لباس و آرایش زمان داریوش و خشایارشا اطلاعاتی بیش از زمان کوروش در دست است و مهم‌ترین این اطلاعات عبارتند از «نقش برجسته کاخ‌های تخت جمشید و گفته‌های هردوت». وی ضمن بیان شرح حال سربازانی که از ملل مختلف در ارتش خشایارشا حضور داشتند؛ چنین می‌نویسد « پارسی‌ها بر سر کلاهی داشتند که به آن سرپوش می‌گوئیم و این کلاه‌ها در مقابل تیر غیرقابل نفوذ بودند. آنها بر تن زرهی مرکب از قطعه‌های فلز شبیه

به فلس ماهی به رنگ‌های مختلف داشتند. این زره‌ها کمر و ران آنها را نیز تحت پوشش قرار می‌داد. سپر آنان از ترکه‌های بید بافته شده بود و در زیر آن ترکش‌هایشان آویزان بود. زوبین‌های آنها کوتاه و کمان‌هایشان بلند و تیرهایشان از نی بود. قمه این سربازان از طرف راست به کمر بندشان بسته شده بود. این سربازان پارسی تحت فرمان اونانس - پدر زن خشایارشا - قرار داشتند.» صورتی که در کتاب تاریخ ایران باستان تهیه شده، کمک بزرگی برای تشخیص لباس هر ملت در زمان صلح است.



تصویر ۱- نمونه‌ای از لباس پارسی‌ها

لباس پارسی‌ها طبق تصویر شماره یک، لباده بلند و چین‌داری است که این لباس در عموم نقوش تخت جمشید بر تن سلاطین هخامنشی دیده می‌شود. لباس مادها قبای کوتاهی است و عموماً کلاه آنها شبیه کلاه پارسی‌هاست ولی در نقوش دیگری از تخت جمشید دیده می‌شود که مادها کلاه نمدی تخم مرغی شکل بر سر دارند. سغدی‌ها و باختری‌ها و بسیاری از ملل دیگر لباده



۳- اسپاردا: مرکز آن سارد است.

۴- یا اونا (یونان)

۵- سکا‌های آن سوی دریا

۶- یا اونا: قسمت شمالی یونان امروزی - مقدونیه

۷- یوتیا: جنوب غربی عربستان و جنوب یمن

۸- کوشیا: حبشه شمال مصر

۹- ماتیا: مسقط

۱۰- کاراکا

علت آن که عموم این اشخاص در شکل، دستپایشان را بالا گرفته‌اند این است که اشکال مذکور از روی حجاری‌هایی گرفته شده که در آن عموم ملل تابع شاهنشاه قرار دارند و مانند این است که بادستپایشان، تخت سلطنت را نگه داشته‌اند. البته منظور صنعتگران این بوده است که قدرت شاهنشاه ایران بر این ملل تکیه دارد. (از مقاله تاریخ لباس در ایران به قلم پرویز بهنام، شماره سوم، سال ۱۳۳۵)

شهریاری داریوش و اوج شکوه شاهنشاهی پارسیان: داریوش موفق شد با همکاری ۶ تن از سران اشراف پارسی که ظاهراً از نفوذ زیاد اشراف مادی از جمله گئومات در دربار بردیا - برادر کمبوجیه - نگران بودند و حتی تیول و قدرت خود را از دست داده بودند، بردیا و یاران نزدیک و قدرتمند او را به قتل برسانند. چنان به نظر می‌رسد که این افراد توانستند از طریق نفوذ بعضی از اشراف پارسی در دربار، بردیا را به قتل برسانند که مقاومت یاران بردیا را در پی داشت همچون گئومات که در نهایت برای جمع‌آوری نیرو به سرزمین ماد رفت. وی نتوانست در مقابل داریوش مقاومت کند و در نهایت در منطقه‌ای از سرزمین پارس کشته شد. به این ترتیب پادشاهی هخامنشی از بردیا فرزند کوروش بزرگ به داریوش که به ادعای خودش یک هخامنشی بود و در پادشاهی اولویت داشت؛ رسید.

داریوش نخست با مقاومت اقوام و گروه‌های مختلف مواجه شد اما به تدریج توانست با همکاری هم‌پیمانان خود امنیت را برقرار کند و ضمن تصرف سرزمین‌های جدید مانند بخش‌هایی از سرزمین هند در شرق و بخشی از قلمرو اقوام سکایی در شمال و شمال غربی، نظم جدیدی در کشور پیاده کند.

هر چند در آغاز او با مشکلات جدی مواجه شد و



تصویر ۳- نمونه لباس ملل مختلف ایران در زمان داریوش

۲- هیدوش: قسمتی از مغرب هندوستان که تحت سلطه ایران بود.

۳- سکا: شهری بین هندوستان و بلوچستان

۴- هماورکا: در شمال کاندرا و در مشرق رود سند قرار داشت.

۵- سکا‌های تیز خود

۶- پاپیروش - بابل در جنوب آشور تا خلیج فارس

۷- آتورا: در شمال پاپیروش و جنوب ارمنستان

۸- آریا

۹- مودریا



تصویر ۴- نمونه لباس ملل مختلف ایران در زمان داریوش

لباس‌هایی که در تصویر شماره ۴ مشاهده می‌شود؛ مربوط به مناطق زیر است:

۱- آرمینا: از شمال محدود به دریای سیاه و از جنوب محدود به آشور

۲- کاپادوک: نواحی شمالی آسیای صغیر

کوتاه و شلوار تنگ در برداشتند، اعراب، بابلیها، مصری‌ها، حبشی‌ها و عده‌ای دیگر لباس بلند بر تن دارند. کلاه برخی ملل مانند سکاها نوک تیز است.



تصویر ۲- نمونه لباس ملل مختلف ایران در زمان داریوش

لباس‌هایی که در تصویر شماره ۲ مشاهده می‌شود؛ مربوط به مناطق زیر است:

۱- ماد: مرکز آن اکباتان و از شمال به دریای خزر محدود می‌شد.

۲- اواجا (خوزستان) در شمال شرقی

۳- بارتوا: مرکز آن هکاتومپیلوس (Hecatompylos) و استرآباد نیز جوز این ناحیه است و حدود آن شمال دریای خزر می‌باشد.

۴- هریره: در شمال شرقی بارتوا واقع شده و هرات و توس جزو آن هستند.

۵- باختریش: مرکز آن بلخ است.

۶- سغد: در شمال باختریش و مغرب فرغانه واقع شده است.

۷- خوارزم: در جنوب دریایچه اکسیان قرار دارد.

۸- درنگ

۹- هروتیش: مرکز آن قندهار در جنوب تنگوش واقع است.

۱۰- تنگوش: در شمال هروتیش واقع شده و مرکز آن غزنه است.

لباس‌هایی که در تصویر شماره ۳ مشاهده می‌شود؛ مربوط به مناطق زیر است:

۱- گادارا: ممکن است ناحیه قندهار در سرحد هندوستان باشد.

کشور صدمات بسیار دید و طبق آماری که خود وی در کتیبه بیستون می‌دهد، بیش از صد هزار نفر کشته و اسیر شدند اما سرانجام توانست شاهنشاهی هخامنشی را به اوج شکوفایی برساند.

فرجام پادشاهی داریوش و خصایل او

پس از ناکامی در تصرف یونان و عقب نشینی سپاه پارسی از یونان، ظاهراً داریوش هرگز از فکر حمله جدید به یونان دست برنداشت ولی پس از پایان بی‌فرجام جنگ ماراتن، متقاعد شده بود که تصرف یونان بدون حضور سپاهی قدرتمند امکان‌پذیر نیست بنابراین بلافاصله پس از آگاهی از ناکامی پارسیان دستور گردآوری سپاه عظیمی را داد و مأمورانی به اقصی نقاط شاهنشاهی فرستاد تا به جمع‌آوری نیرو و آذوقه بپردازند. ظاهراً جمع‌آوری نیرو بیش از ۳ سال طول کشید. در حالی که داریوش پس از سه سال جمع‌آوری نیرو سپاه پارسی را آماده لشکرکشی به یونان می‌کرد، از مصر خبر رسید که مصریان علیه حاکمیت پارسیان شورش کرده‌اند و این شورش به سرعت به بخش‌های جنوبی مصر نیز کشیده شد.

درباره علت شورش مصریان در این برهه از مان به ویژه پس از ناکامی پارسیان در تصرف یونان، نظرات مختلفی مطرح شده است. مورخان از دلایل این قیام بیش از همه به روی دریافت مالیات‌های سنگین و انتقال هزاران صنعتگر مصری به پارس برای ساختن بناهای جدید مانند تخت جمشید، پارسه و شوش تأکید ورزیده‌اند اما عده‌ای بیش از همه روی سابقه کهن مصریان که تحمل سروری ملل دیگر برایشان سخت بود و عامل دیگر تحریکات یونانیان در واداشتن مصریان علیه پارسیان تأکید دارند. هر چند نظریه اول یعنی مالیات‌ها که اغلب به پارس ارسال می‌شد، نمی‌تواند دور از ذهن باشد و همیشه در تحولات سیاسی و ایجاد شورش نقش مهمی داشته است اما به نظر می‌رسد حداقل در مورد مصر با توجه به سابقه کهن و تاریخ و تمدن آن که خود را برتر از دیگران می‌دانستند و در این زمان استقلال خود را از دست داده می‌دیدند و بازگشت به آن شکوه گذشته و دوران طلایی آرزویشان بود و همین‌طور تحریکات یونانیان

به ویژه پس از ناکامی سپاه پارسی در جنگ ماراتن می‌تواند نقش مهمی داشته باشد؛ چنان که تا پایان شاهنشاهی پارسیان بارها شاهد شورش مصریان حتی خارج شدن مصر از سلطه پارسیان در زمان پادشاهی داریوش دوم هستیم.

در هر حال، پیش از آن‌که داریوش فرصت یابد برای سرکوب قیام مصر، اقدام جدی انجام دهد و یا سپاهی پارسی را برای فتح یونان اعزام کند، در سال ۴۸۶ پیش از میلاد و پس از ۳۶ سال پادشاهی درگذشت. داریوش در حالی از دنیا رفت که تقریباً به جز ناکامی در فتح یونان، همیشه پیروز جنگ‌ها و شکست‌ناپذیر بود. گزارش او در مورد جنگ‌های متعدد در دو سال اول پادشاهی در کتیبه بیستون آمده است که طی دو سال او موفق شد ۱۹ جنگ را علیه شورشیان ساماندهی کند و آنان را سرکوب نماید؛ همچنین ۹ پادشاه را به اسارت درآورد. وی سپس موفق شد شاهنشاهی را از جانب شمال و غرب تا آن سوی دریای سیاه و سرزمین تراکیه و از جانب شرق و شمال شرق تا هند و آن سوی سغد در میان سکاها گسترش دهد؛ تمام این موارد نشان‌دهنده توانمندی نظامی و اراده قوی وی در مقابله با دشمنان بود. به ویژه اگر به خاطر بیابوریم که می‌توانست قدرت خود را طی یک کودتای نظامی علیه خاندان کوروش بزرگ که یکی از محبوب‌ترین شاهان دوران کهن است، به دست آورد.

او مجبور شد برای حفظ قدرت در اوایل پادشاهی به شدت با شورش‌های سهمگین و پی‌در پی که در مرکز کشور رخ می‌داد (سه بار در عیلام، دور بار در ماد، دو بار در پارس و بابل) بجنگد و به ادعای خودش در تمام این جنگ‌ها نیز موفق شد.

تمام این تحولات سیاسی و نظامی نشان از قدرت و توانمندی نظامی و اراده شکست‌ناپذیر وی دارد. افزون بر توانمندی‌های نظامی همچنین توانست شاهنشاهی پارس را به اوج گسترش خود برساند که از یک سو از جانب شرق تا رود سند در هند و از جانب غرب تا دریای اژه و مدیترانه و همین‌طور از شمال تا دریاچه اورال و از جانب جنوب تا اسوان در مصر امتداد داشت. داریوش از نظر توان مدیریتی نیز یکی

از پادشاهان اندیشمند، مدیر و مدبر دوران هخامنشیان است.

او افزون بر ساختن بناهای عظیم راه‌ها و ایجاد امکانات برای خبر رسانی‌های فوری یعنی همان چاپارها، ایجاد امنیت در کشور، باعث ایجاد تجارت‌خانه و بازرگانی گسترده در کشور و رشد اقتصادی آن شد. همچنین با ضرب سکه و انضباط در سیستم مالیاتی توانست آرامش اقتصادی در کشور برقرار کند. داریوش همچنین در کتیبه‌های خود به ویژه کتیبه نقش رستم به معرفی خود و خصیلت‌های خود پرداخته است و ادعا کرده به دنبال راستی و دشمن ناراستی است. حامی ناتوانان و دشمن زورگویان و دروغگویان است. او فردی معتدل و داوری عادل است و حتی از قدرت بدنی و تیرانداز و هنر خود سخن می‌گوید.

او را معمار بزرگ و خالق آثار عظیم به جای مانده از دوه هخامنشیان یعنی تخت جمشید و شوش می‌دانند که از باشکوه‌ترین آثار به جای مانده از این دوره است. هرچند با تکیه بر ادعای داریوش بزرگ و آثار به جای مانده از این دوره و همچنین گزارش یونانیان به شکل غلوآمیزی شخصیت و اخلاق وی توصیف شده است اما تردیدی نیست که می‌توان او را یکی از بزرگ‌ترین پادشاهان دوران هخامنشیان دانست که در زمانش شاهنشاهی هخامنشی به اوج شکوه و عظمت سیاسی و نظامی رسید. هر چند کوروش توانست با درایت و توانمندی نظامی خود شاهنشاهی هخامنشی را پی افکند اما در واقع این داریوش بود که به دلیل ایجاد ساختارهای سیاسی اداری نوین و افزون برگسترش شاهنشاهی توانست نظم جدیدی در کشور ایجاد کند که تا سال‌ها پایدار باقی بماند.

اگرچه باج دهندگان و مالیات پردازان، داریوش را به دلیل سختگیری‌های مالیاتی، پادشاهی «خورده فروش» می‌خواندند و می‌شناختند اما داریوش به‌عنوان فردی سیاسی، مدیر و مدبر شناخته می‌شود که توانست یک شاهنشاهی بزرگ را به رغم مقاومت‌ها، اعتراضات و شورش‌ها از شاخه اصلی دودمان هخامنشی خارج و خود را به‌عنوان پادشاهی مشروع و توانمند به خانواده خود (آن‌گونه که در جوانی در پی آن بود)، برساند.